



دوشنبه ۸ دی ۱۳۹۹ | ۱۴۲۰ جمادی الاول | ۵۸۴ صفحه اسال بیست و یکم - شماره ۲۵، استان تهران و البرز، ۲۵ تومان - دیگر استان ها ۱۵، اтомان Monday - December 28, 2020

امروز در تاریخ:

- شهادت حضرت فاطمه (س) به روایت
- زادروز فروغ فخرزاده، شاعر و مسنندساز (۱۳۱۳ش)
- تصویب قانون اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷ش)
- درگذشت دینا فخرزاده، عروسک‌گردان (۱۳۹۵ش)
- کشف اکسیدن توسط روز پرستی، شیمیدان انگلیسی (۱۷۷۶م)

نهج البلاغه  
حکمت: ۵۷  
قဏعت، مالی است که پایان نیابد.



## مقطع حساس‌کنونی چاره‌روستایی دیگران مرد روستایی قبلی نشد

▪ روزی اسب لویی  
بیست و یکم، پاپا شاه  
مقندر فراسته که عاقله  
بسیار به گشتو و گزارو  
شکار و تفریحات سالم  
داشت وی را که همراه  
طنزپس ملازم و محافظان برای  
گشت و گار و شکار و تفریحات سالم به مناطق  
اطراف رفته بودند، پراشت و از ادوار گار و در شد و  
در وسط جنگل های ناحیه سن سیاستن در کاران  
کلبه ای روستایی توفی کرد. مردی از کلبه  
روستایی بیرون آمد و از اولی یادشده پرسید  
فرمایشش چیست. لویی یادشده گفت اسب  
مرا برداشت و بینجا اوردن و خیلی گرسنه و  
تشنه هستم. مرد روستایی لویی یادشده را  
داخل گلبه دعوت کرد و یک قص نان و دود داد  
سیب زمینی آبیز جلوی او گذاشت. لویی  
یادشده سیب زمینی و نان را خورد و سیرشد و  
گفت: یکی که چنین نداری مرد روستایی گفت:  
نوشیدنی گازدار نیز م وجود است لیکن نوشیدن  
گفت: بده. مرد روستایی یک لیوان نوشیدنی  
گازدار به لویی یادشده داد. لویی یادشده  
نوشیدنی گازدار را نوشید و گفت: می‌دانی من کی  
هستم؟ مرد روستایی گفت: به نظر من مرد  
آقازاده‌ای پسر زیبی، کنیک، کسی باشی. لویی  
یادشده گفت: من از زنده‌کاران پاشه هستم. همچو  
سیس پکلیوان نوشیدنی دیگر در خواست کرد.  
مرد روستایی یک لیوان دیگر نوشیدنی گازداره  
وی داد. وی نوشیدنی گازدار را نوشید و گفت:  
می‌گردانند. این کار به مروی به جسم آنها آسیب‌های جدی می‌زند. خانم فریاده هر چند به سلطان  
گفت: از زنده‌کاران شدتمند است. نهاده همچو  
جسم و روحشان برای این کار مایه می‌گذرد. به نظر من گروه از هنرمندان سیار محترمند و  
دو فصل ۱۳ قسمتی پخش شد و در همه این مدت دنیا هر چند سن و سال مکتی نسبت به بقیه  
داشت: اما با یه یا همه ما کارش را ناجام داد و ثابت کرد عاشق عروسک‌گردانی است. به نظرم  
افرادی که وارد حرفه عروسک‌گردانی بودند، بیشتر به دنیا راضی‌ترینی دارند. بدین جایی که از همه  
آنها دنیا شهرت دارند کاری را ناجام دادند که دوست دارند و این راهم بگویم که از همه  
در سال‌های بعد گارش را داده همیشه کی از بهترین‌ها را داده دهند: دنیا و رامیدون همان هم  
دوست داشتند. تصور کنید گاهی ۱۳ ساعت پشت دور حضور دارند و عروسک را بگردانند و  
می‌گردانند. این کار به مروی به جسم آنها آسیب‌های جدی می‌زند. خانم فریاده هر چند به سلطان  
گفت: از زنده‌کاران شدتمند است. نهاده همچو  
جسم و روحشان شدتمند است که سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و نه صدایشان شدتمند است. اما بخش زیادی از موقیت کار عروسکی به توانمندی و صبر و حوصله  
آنها بستگی دارد. دنیا هم صبور بود هم خلاق و علاوه عجیبی به عروسک‌ها داشت. به آنها به چشم  
موجودات بی جان نگاه نمی‌کرد. آنقدر ارتباط عاطفی زیبا و موثری با آنها برقرار می‌کرد که دنیا اجرا  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
عارضه‌ای که زیستیک است امادا جایی که توانست به کارش ادامه داد. من به همه عروسک‌گردانی  
داند. من به همه عروسک‌گردان‌ها یکی از آنها را بشناسم. دنیا همیشه در می‌گردید که اینها را آموختند می‌دهند،  
می‌گوییم با هر دوست کار کنند تا هم فرسایش استخوان‌های یک دست کار داشته باشد و هم اکر دست  
پیدا کرده بتوانند با دست چپ کارش را داده باشند. دنیا هم با هر دوست کار می‌کرد. وقت دست راستش  
به دلیل سرطان ناتوان شد با دست چپ کارش را ادامه داد. این روزهایی که دنیا همیشه در می‌گردید  
و عاشق عروسک‌ها و جان دادن به آنهاست. می‌دانم اینهاست که اینها را بشناسم. دنیا همیشه در  
روستایی گفت: تمام شد. لویی یادشده گفت:  
چرا؟ مرد روستایی گفت: یک لیوان دیگر بخوری  
مدعی می‌شوی مسیحی هست و یک لیوان دیگر  
بخوری مدعی من شوی خداهستی. در این هنرگام  
ملامیان و محافظان که حست و خواری را بافتند  
لویی را تاگاره بودند که لیکه روستایی رسیدند  
و لیکه را پیدا کردند و به او ادای احترام کرد. لویی  
یادشده نگاهی به مرد روستایی انداده و گفت:  
دیدی راست گفتم؟ مرد روستایی که تابه حال از  
نژدک یادشاده بوده بخوبه برتن درید و  
مدهوش شد. ملامان به صورتش آب پاشیدند  
و اواره‌هه ووش آوردن و پول نان و سیب زمینی و  
نوشیدنی گازدار را حساب کردند و انعام هم  
رویش گذاشتند و رفتن. مرد روستایی نیز دیگر  
مرد روستایی قبیل نشد.



## رضافیاضی: دنیا با همه دوست بود

رضافیاضی، بازیگر و کارگردان، کار حرفه‌ای اش را در زمینه نمایش با آثار عروسکی شروع کرد و یکی  
از هنرمندانی است که در سال‌های اوایله بعد از پیروزی انقلاب فعالیتش را در تلویزیون شروع  
کرده است. او سال ۹۰، اولین مجموعه نمایش عروسکی با نام زاغچه کنجکاو را برای تلویزیون مقابله  
دوربین برد و زندگانی دنیا را فرازه داده که هم در این کار عروسک‌گردانی یکی از عروسک‌ها را به عهده  
داشت. فیاضی می‌گوید در این کار هنرمندانی مانند مرضیه برومند، حسن پورنژادی و فرشته  
صدر عرقایی همکاری داشتند. در همین کار بود که دنیا شناسن داد اصول حرفه و اخلاقی را بدلت  
است و می‌تواند کارش را در این حرفه امداده هد. ضیط کار دو سال طول کشید و این مجموعه در  
دو فصل ۱۳ قسمتی پخش شد و در همه این مدت دنیا هر چند سن و سال مکتی نسبت به بقیه  
داشت: اما با یه یا همه ما کارش را ناجام داد و ثابت کرد عاشق عروسک‌گردانی است. به نظرم  
افرادی که وارد حرفه عروسک‌گردانی می‌شوند، بیشتر به دنیا راضی‌ترینی دارند. بدین جایی که از همه  
آنها دنیا شهرت دارند کاری را ناجام دادند. ضیط کار دو سال طول کشید و این راهم بگویم که از همه  
در سال‌های بعد گارش را داده همیشه کی از بهترین‌ها را داده دهند: دنیا و رامیدون همان هم  
دوست داشتند. سال ۶۶ بود که گروه تئاتر عروسکی در کانون تشکیل شد و دنیا و رامیدون همان هم  
گردید. هر دو کارشن عالی بود. بعد از آن که علاقه دنیا به کار عروسک‌گردانی دیدم او  
را به آقای شاه‌محمدی معفر کرد و دنیا شد یکی از عروسک‌گردان‌های برنامه جینگل و فینگل. در  
سربال تلویزیون یافوت به مدرس می‌رود که خودم کارگردان هم کرد. همین طور که داشتم زیر لب نکار  
کنید. همین طور که داشتم زیر لب نکارم. این مخفیت بزرگی بود. او با شیوه‌هایی که از خواب  
تاثیر گذاشت. سال ۶۶ بود که گروه تئاتر عروسکی در کانون تشکیل شد و دنیا و رامیدون همان هم  
در انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و نه صدایشان شدتمند است. اما بخش زیادی از موقیت کار عروسکی به توانمندی و صبر و حوصله  
آنها بستگی دارد. دنیا هم صبور بود هم خلاق و علاوه عجیبی به عروسک‌ها داشت. به آنها به چشم  
موجودات بی جان نگاه نمی‌کرد. آنقدر ارتباط عاطفی زیبا و موثری با آنها برقرار می‌کرد که دنیا اجرا  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و نه صدایشان شدتمند است. اما بخش زیادی از موقیت کار عروسکی به توانمندی و صبر و حوصله  
آنها بستگی دارد. دنیا هم صبور بود هم خلاق و علاوه عجیبی به عروسک‌ها داشت. به آنها به چشم  
موجودات بی جان نگاه نمی‌کرد. آنقدر ارتباط عاطفی زیبا و موثری با آنها برقرار می‌کرد که دنیا اجرا  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و نه صدایشان شدتمند است. اما بخش زیادی از موقیت کار عروسکی به توانمندی و صبر و حوصله  
آنها بستگی دارد. دنیا هم صبور بود هم خلاق و علاوه عجیبی به عروسک‌ها داشت. به آنها به چشم  
موجودات بی جان نگاه نمی‌کرد. آنقدر ارتباط عاطفی زیبا و موثری با آنها برقرار می‌کرد که دنیا اجرا  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی هستند. آنها نه دیده شوند  
و ضبط اندک عروسک‌گردان‌ها جان می‌گرفتند و به مرکز درمی‌اندند. دنیا  
برای ما بسیار عزیز بود و همه ما معتقدیم که دنیا همیشه در تاریخ هنر ایران زنده می‌ماند. دنیا  
از بدر و هنر او داشت که بازیگر را داده دهد: دنیا و رامیدون همان هم  
را انتخاب کرد برای دل خودش. عروسک‌گردان‌ها آنها را به سیار شریفی